

از عاشورا تا ظهور

۱.

از عاشورای حسین، تا ظهور مهدی

عاشورا درسی است برای همه ی آنان که امام زمان می‌خواهند. شاید ۱۴ قرن پیش عاشورا شاهد خون بار ترین بی وفایی تاریخ بود، اما تمام نشد و روز به روز در حال پر رنگ تر شدن است چرا که می‌خواهد مفهومی را برای مردمان هر زمان اثبات کند. عاشورا تاریخ اشک باری است برای تمام جغرافیای جهان که مردم هر زمان بدانند امام و نبود امام یعنی چه؟ بدانند همیشه تقابل بین خواستن و نخواستن، جنگی است بی پایان میان آنکه بین خود و امامت یکی را انتخاب کند. عاشورا بُن مایه ی تفکر انتظار و مهدویت در شیعه است. حقیقت عاشورا و کربلا، درس انتظار و بال سبز امید مهدوی برای آینده ی روشن شیعه است. امروز کسانی می‌توانند همراهی حسین زمان را آرزو کنند و فریادِ "یا لَیْتَنی کُنَّا مَعک" برآورند که در عصر غیبت آنچه که لازم است انجام دهند و انتظار را عمل بدانند و اولویت اولشان در تمام مقاطع زندگی باشد.

۲.

عاشورا، معیار است...

همواره قرآن و روایات گوشزد میکنند که دو خط حق و باطل با یکدیگر درگیرند. قرآن برای همواره ی تاریخ خطی باطل در مقابل جریان حق معرفی میکند. *يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ [صف/۸]* اینها می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند! جالب اینجاست، فعلی که قرآن استفاده میکند آینده ی استمرار است یعنی ادامه خواهد داشت و مُستَمِر است یعنی هنوز کسانی هستند که به دنبال تقابل با دین خدا هستند همانطور که عده ای در عصر پیغمبر و ائمه علیهم السلام تلاش کردند دین خدا را حذف کنند و نتیجه ی آن جهاد الهی و سراسر نور امام حسین و واقعه عاشورا بود که حق و باطل را تا آخر دنیا از یکدیگر جدا کرد.

در زمان حال نیز عده ای هستند که به دنبال شکستن و تقابل با جریان حق هستند که از عاشورا باید درس شناخت معیار گرفت و به دنبال برقراری عدالت و مقابله با هرگونه ظلم و ستم شد که شاهراه آن، انتظار و یاری امام زمان (عج) است...

۳.

بدون شک وعده خدا بر اینکه حکومت از آن صالحان است، قطعیت است. اما شرط تحقق این وعده مثل استجابت دعا نیاز به زمینه و شرایط دارد که این برنامه الهی به نتیجه برسد. تلاشهای پیغمبر و امامان، در امتداد فراهم آوردن این مقدمات است.

اما زمان پیامبر، متأسفانه بدلیل نداشتن تحلیل صحیح از اوضاع، شرایط بعد از پیامبر به گونه ای رقم خورد که امور از مسیر خود خارج و به انحراف کشیده شد و شاید بتوان گفت جامعه به دوران جاهلیت بازگشت. قیام عاشورا و استراتژی امام حسن، اصلاحی همه جانبه بود و ماندگار برای تاریخ.

خط نفاق و اسلام محمدی برای همیشه تاریخ روشن شد و شناخت این دو جریان نیاز به نگاه عاشورایی به اوضاع دارد. "این الطالبُ بدَمِ المقتولِ بکربلا"، یعنی منتظران بدانند جریان نفاق را باید شناخت و رُسا کرد تا جامعه دچار تشویش در اعتقاد و تصمیمات خود نشود که این امر نیاز به نگاه عاشورایی همان استراتژی عاشورایی امام حسن و امام حسین دارد.

۴.

غافل بودن از نقشه ی الهی

متأسفانه ما اغلب به دلیل درگیر شدن در روزمرگی از نقشه ی الهی که به حکومت رسیدن صالحان طراحی شده است غافلیم و حتی در تحقق این نقشه ی الهی آگاه نیستیم که چه تلاش هایی در طول تاریخ برای این مهم صورت گرفته است.

یکی از ایرادات ما این است که اتفاقاتی چون بعثت پیغمبر، عید قربان، عید غدیر، عاشورا و فاطمیه را اتفاقاتی جدا از هم میدانیم و متوجه نیستیم که این ها جزو پیچ تاریخی و نقشه ی الهی هستند. عید قربان یکی از مهمترین پیچ های تاریخی امامت و در امتداد آن مبعث پیغمبر، آغاز جهانی سازی این حکومت میباشد و در عید غدیر این مساله به عنوان ادامه ی این راه اتفاق می افتد.

و عاشورا بهترین روش برای اثبات حقانیت این نقشه الهی است که راه را تا ابد برای حرکت در این مسیر مشخص کردند. به همین دلیل است که زنده نگه داشتن عاشورا بسیار سفارش شده چون مدام راه یاران ابا عبدالله باید سرلوحه منتظران آخرالزمان باشد که بتوانند مثل آن ها یک تغییر بزرگ ایجاد کنند و این امر مهم باید اینگونه باشد که روحیه شهادت طلبی را نمی توان از یاران امام زمان جدا کرد.

۵.

معرفت امام، لازمه ی همراهی...

روزی امام باقر در مسجد الحرام به ابوبصیر فرمودند: از کسانی که می آیند و عبور میکنند بپرس که آیا محمد بن علی را ندیده اند؟ ابوبصیر اطاعت کرد و شروع به پرسیدن نمود اما جواب همه منفی بود! تا اینکه ابوهارون که شخصی نابینا بود نزدیک شد، حضرت فرمودند: از او هم سؤال کن، هنگامی که ابوبصیر از ابوهارون سؤال کرد، او در جواب گفت: «این آقا در کنار توست»

آری! اگر انسان بخواهد به معرفت نورانی دست پیدا کند تا به واسطه ی این معرفت، امام در جانش ظهور کند و سرپرستی و ولایتش را در وجود خود احساس کند، باید خود را تسلیم ولیّ خدا نماید، تا تسلیم نباشیم خدا تطهیرمان نمیکند. یکی از وسایل مهم تطهیر انسان، بلایا و امتحانات خداست.

۶.

عزاداران سه دسته اند...

دسته اول: گرچه عزاداری را ترک نمیکنند و در مجالس شرکت میکنند اما زمینه هر گناهی هم که پیش آمد مرتکب میشوند! درکِ چنین فردی از قیام امام حسین، ناقصه.

دسته دوم: دل پاکی دارند و خالصانه هم عزاداری میکنند اما متأسفانه اهدافِ عزاداری را به خوبی نمیشناسند!

گروه سوم: کسانی که از جریان عاشورا چیزهای خوب و مفیدی میدانند و زندگی خود را با اهداف امام حسین گره زده اند، به حق و حق طلبی نزدیک ترند. عزاداری اینان، اثرگذارتر است.

منتظران هم...

دسته اول مردمی که خودشون اهل فسق و خطا هستند ولی به علت اینکه فطرتاً دنبال آرامش حقیقی اند، انتظار دولت امام زمان را میکشند.

دسته دوم کسانی که اهل فسق نیستند اما به انتظار فرج، نگاهِ حداقلی دارند. اینها در غم فراق، اشک میریزند، برای ظهور هم دعا میکنند و به دنبال این اند رضایت امام زمان را جلب کنند، عموم شیعیان و محبین حضرت اینطوری اند.

گروه سوم کسانی که مثل عاشوراییان علاوه بر خودسازی و دیگرسازی، تا پای جان برای مقابله با مستکبرین تلاش میکنند که در ۳۱۳ نفر، چنین روحیه ای براحتی قابل مشاهدهست

حالا من مانده ام و این سه دسته...

۷.

امام حسین و ایامُ الله...

به تعبیر روایات «ایام الله» سه هنگامه اند: ظهور، رجعت و قیامت که در هر سه ی این ایام «یوم الحسین» محور است؛

در روز ظهور شعار لشکریان امام زمان یا لثارات الحسین خواهد بود، در زمان رجعت اولین کسی که به دنیا باز خواهد گشت امام حسین است و در روز قیامت بهشتیان زیر پرچم امام حسین گرد خواهند آمد.

اساساً کسیکه ماجرای عاشورا را با آن وسعت و عظمت بفهمد، یقین پیدا میکند که پایان این راه، چیزی جز یاری خدا نخواهد بود و لاجرم یک پایان خوش خواهد داشت. وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ...

۸.

با خودمون چند چندیم؟

یکی از عوامل که باعث جدایی عده ای از امام حسین شد، زمینه ی امتحان، انتخاب دنیا و آخرت بود. عده ای صورت مساله را پاک کردند گفتند نه با امام خواهیم بود نه با این زیاد. بین حق و باطل حرکت کردن نوعی #نفاق است همین نفاق باعث شد که به تدریج در جنایت بر اهل بیت از یکدیگر سبقت بگیرند. چون نتوانستند که مرزبندی بین حق و باطل را برای خود رعایت کنند.

عصر ظهور نیز، نفاق افراد در حرکت بسمت ظهور مشخص خواهد شد پس برای رسیدن به ظهور باید نفاق را در خود بکشیم. (نفاق، همان ریا و دو رویی است)

۹.

حریت و حریت...

عده ای در کربلا با این تصور که اگر در لشکر این زیاد باشند، کار به جنایت نکشد جرم نیست اما بی خبر از آن بودند که صرف در لشکر این زیاد قرار گرفتن خود نوعی مرزبندی حق و باطل است.

در این میان خُر به سمت حق رفت و تا انتهای تاریخ، معجزه ی انتخاب حق را نشان داد.

امروز آمادگی برای ظهور از وظایف منتظران است و باید همیشه مراقب انتخاب های خود باشیم. به راستی در روز چندبار بین یزید و امام حسین نفس خود، مجبور به انتخاب می شویم؟

۱۰.

حسین و مهدی...

میان امام حسین و حضرت مهدی علاوه بر صفات و ویژگیهای مشترکی چون «عصمت، علم، مهربانی، شجاعت، حکمت...» پیوندها و شباهت های دیگری هم وجود دارد که قابل تامل است!

القابی چون «غریب»، «طَرید؛ طرد شده» و «شَرید؛ آواره» که به هر دوی این بزرگواران، نسبت داده شده از جمله ی این شباهت هاست. اینکه در اعمال شب نیمه ی شعبان، زیارت امام حسین وارد شده، نکند به این جهت باشد که بخواهد به «مردم عصر غیبت» توجه دهد که حسین امام کسانی بود که او را به «العَجَل» خواندند، اما در آخر، او را تنها گذاشته و غریبانه به شهادت رساندند! مبدا منتظرین چنین کنند! آگاه باشیم! که زور و زَر و تزویر و شهوت... خون امام را مباح خواهد کرد! وجود این تمایلات نفسانی، امروز هم بر تنهایی و غربت ولیّ عصر بی اثر نخواهد بود! "جهت تعجیل در امر فرج، با هواهای نفس خود مبارزه کنیم."

۱۱.

این چه شمعی است که جانها همه پروانه اوست...

وقتی حضرت ابراهیم از امتحان قربانی فرزند، سربلند بیرون آمد و خداوند قوچی را فرستاد تا در عوض اسماعیل ذبح کند، به خدا فرمود: «خدایا من در کجای این امتحان کوتاهی کردم که موفق نشدم فرزندم را قربانی کنم تا به اعظم مصیبت ها برسم؟» خداوند در جوابش فرمود: ابراهیم! آیا خود را بیشتر دوست داری یا پیامبر آخرالزمان را؟ ابراهیم گفت: «پیامبر آخرالزمان» خداوند فرمود: فرزند خود را بیشتر دوست داری یا فرزند پیغمبر آخرالزمان را؟ ابراهیم گفت: «فرزند پیامبر را که سیدالشهداست از اسماعیل خودم بیشتر دوست دارم»

آنگاه خداوند فرمود: ابراهیم! نه تو ظرف اعظم مصائبی و نه بزرگترین مصیبتها، ذبح اسماعیل است بلکه ظرف اعظم مصائب، رسول اکرم است و اعظم مصائب، مصیبت سیدالشهدا!

آری! ملائکه هم با بلای امام، در حال سلوکند و چشم به راه... روز عاشورا هزاران ملک برای یاری امام به زمین هبوط کردند اما وقتی رسیدند که حسین بن علی بر زمین و خانواده اش در اسارت! از این رو غبارآلود و عزادار کنار مزار حضرت وقوف کردند تا بعد از ظهور در رکاب منتقم آن حضرت باشند...

۱۲.

آمادگی و منتظر بودن...

اصحاب خاص حضرت مهدی به دلیل آمادگی شان، به محض شنیدن ندای حضرت، همگی در مکه جمع می شوند. آنان به گونه ای آماده اند که اگر آب دستشان باشد، زمین گذاشته و به یاری امام می شتابند.

یادش بخیر.. مسلم بن عوسجه را می گویم؛ به سوی حمام بود که حبیب بن مظاهر با او روبرو شد. هنگامی که در جریان وضعیت امام زمانش قرار گرفت حتی به خانه برنگشت و هر دو به طرف کربلا رفتند. باید به سوی امام از هر چه هست، گذشت...

۱۳.

پیوندهای عاشورا و ظهور (بخش ۱)

نهضت نینوا، نهال و بذری بود که در عاشورا کاشته شد تا در گذر زمان، رشد کند و در عصر ظهور به ثمر بنشیند. به چند نمونه از پیوندهای عاشورا و انقلاب حضرت مهدی توجه بفرمایید:

(۱) مهدی، منتقم حسین

امام حسین به فرزندش امام سجاد فرمود: فرزندم! به خدا قسم، خون من از جوشش نخواهد ایستاد تا آن که خداوند مهدی را بر انگیزد و انتقام خون مرا بگیرد. (معجم الاحادیث الامام مهدی، ج ۳، ص ۱۸۲)

(۲) اشک های قبل از ولادت

قبل از تولد هر دو بزرگوار، برایشان عده ای اشک ریخته اند. قبل از تولد امام حسین پیامبرانی که برای مصیبت و بلای کربلای ایشان ناله ها سر دادند و قبل از تولد امام مهدی نیز پیشوایانی از اهل بیت بر بلای دوران غیبت ایشان اشک ها ریخته اند.

پیوندهای عاشورا و ظهور (بخش ۲)

بخوانیم، تامل کنیم و رسانه باشیم تا همه بدانند.

نهضت نینوا، نهال و بذری بود که در عاشورا کاشته شد تا در گذر زمان، رشد کند و در عصر ظهور به ثمر بنشیند. به چند نمونه از پیوندهای عاشورا و انقلاب حضرت مهدی توجه بفرمایید:

(۳) یاد امام حسین در دعای ندبه

در دعای ندبه و شرح غم هجرانِ مهدی موعود از میان صدها شهیدِ عترتِ پیامبر، تنها از شهید کربلا سخن به میان آمده...

(۴) شعار امام و یارانش

شعارِ قیام جهانی امام زمان و یارانش «یا لثاراتِ الحُسَین» خواهد بود. (نجم الثاقب، ص ۴۶۹)

پیوندهای عاشورا و ظهور (بخش ۳)

بخوانیم، تامل کنیم و رسانه باشیم تا همه بدانند.

نهضت نینوا، نهال و بذری بود که در عاشورا کاشته شد تا در گذر زمان، رشد کند و در عصر ظهور به ثمر بنشیند. به چند نمونه از پیوندهای عاشورا و انقلاب حضرت مهدی توجه بفرمایید:

(۵) از نسل حسین

بیش از ۲۰۰ روایت به این مساله اشاره دارند که حضرت حجت، از نسل امام حسین می باشد. مثلا حضرت علی علیه السلام به امام حسین فرمودند «ای حسین! نهمین فرزند تو، کسی است که بر اساس حق قیام می کند... قسم به خدایی که محمد را به پیامبری برگزید و او نیز مرا بر همه ی آدمیان مبعوث کرد این اتفاق، واقع خواهد شد. لیکن این امر بعد از غیبت و دوره حیرت خواهد بود.» (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۰)

(۶) انتظار فرشتگان

در کلام امام صادق می خوانیم بعد از شهادت امام حسین فرشتگان نالیدند و گریستند و گفتند خدایا آیا فرزند پیامبر و برگزیده ات را به خود وا می گذاری؟ سپس خداوند سایه ی امام قائم را بر آنان نمایاند و فرمود: به وسیله ی این قائم از ظالمین و قاتلین حسین علیه السلام انتقام می گیرم. (نجم الثاقب، ج ۲، ص ۶۵)

پیوندهای عاشورا و ظهور (بخش ۴)

بخوانیم، تامل کنیم و رسانه باشیم تا همه بدانند.

نهضت نینوا، نهال و بذری بود که در عاشورا کاشته شد تا در گذر زمان، رشد کند و در عصر ظهور به ثمر بنشیند. به چند نمونه از پیوندهای عاشورا و انقلاب حضرت مهدی توجه فرمایید:

(۷) زیارت عاشورا در شب نیمه شعبان

توصیه و سفارش به زیارت اباعبدالله الحسین در شب میلاد امام عصر علیه السلام، افضل اعمال آن شب و موجب آمرزش گناهان و ثواب فراوان می باشد.

(۸) ندای حضرت هنگام ظهور گویا تر از همه، کلام خود حضرت صاحب، بعد از ظهور است که بین رکن و مقام می ایستد و ندا می دهد: «ای جهانیان! آگاه باشید و بدانید من امام قائم و شمشیر انتقام گیرنده هستم. ای اهل عالم! آگاه باشید که جدم حسین را تشنه کام کشتند و عریان روی زمین افکندند...» (الزام الناصب، ص ۲۸۴)

.۱۷

پیوندهای عاشورا و ظهور (بخش ۵)

بخوانیم، تامل کنیم و رسانه باشیم تا همه بدانند.

نهضت نینوا، نهال و بذری بود که در عاشورا کاشته شد تا در گذر زمان، رشد کند و در عصر ظهور به ثمر بنشیند. به چند نمونه از پیوندهای عاشورا و انقلاب حضرت مهدی توجه فرمایید:

(۹) رجعت اباعبدالله الحسین

هنگام رجعت، امام حسین نخستین امامی خواهد بود که به دنیا باز می گردد و هم ایشان خواهند بود که امام قائم علیه السلام را غسل و کفن نموده و به خاک می سپارد... (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۶ و ۱۰۳)

(۱۰) شب قدر و...

در شب قدر نیز که شب انسان کامل - حضرت ولیعصر عجل الله فرجه - است و فرشتگان به محضر او شرفیاب می شوند، نیز زیارت امام حسین وارد شده است.

شواهد و موارد متعدد اینچنینی، رسالت و مسئولیت «منتظران امام زمان را در دوران غیبت» به شاخص «یاران عاشورایی امام حسین علیه السلام» نزدیک تر می گرداند، چرا که آن امام را «پاک بازانی مخلص، خدایی و عاشورایی» می طلبد.

.۱۸

تکلیف خود را با دلبستگی هایت روشن کن!

کسی که نتوانسته از دلبستگی هایش رها شود:

یا هرگز توفیق همراهی با ولیّ خدا را پیدا نخواهد کرد یا هرچند توفیق همراهی پیدا کند نخواهد توانست تا انتهای مسیر "هم قدم او" باشد و سرانجام، جایی، راهش از راه ولیّ خدا جدا خواهد شد!

تاخیرها، سُستی ها، کم معرفتی ها... و از همه مهمتر "گیر دنیا بودن" گاهی سبب می شود انسان حتی تا مرز ریختن خون امام پیش رود!! چنانچه این اتفاق برای کوفیان سال ۶۱ هجری افتاد، همان کسانی که برای امام زمانشان نامه نوشتند و ایشان را دعوت کردند اما سرانجام برای حفظ دنیای خود و کسب غنیمت از یکدیگر سبقت می گرفتند!!!

برگرفته از کتاب فرات تا فرات

.۱۹

سوره یوسف و درس انتظار

یکی از بزرگ ترین درسهای سوره یوسف «چگونگی برخورد حضرت یعقوب با مساله ی غیبت ولیّ خداست!» او همیشه در حال گریه بود، در حالی که در مقام عصمت قرار داشت و می بایست هر کارش "یاد خدا" باشد. پس اگر گریه بر یوسف، جزئی از سلوک ایشان به سوی خدا محسوب نمی شد، دیگر ایشان آنطور گریه نمی کرد! مگر نه اینکه انبیاء حتی از کارهای مباح هم پرهیز می کردند.

ایشان بر آن واقعه، به قدری گریه کرد که چشم هایش سفید و کمرش خم شد، و حتی زمانی که به جنون متهم گشت نیز دست از گریه برنداشت. پس باید با بلا و غیبت ولیّ خدا اینگونه برخورد کرد، نه آنکه ولیّ خدا مبتلا باشد و ما در غفلت! عزیز عَلَیَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِی الْبَلَوِ...

فرازهای دعای ندبه را با تأمل بیشتری بخوانیم

این جاست که متوجه می شویم چرا در بعضی روایات، غیبت امام زمان را به غیبت حضرت یوسف تشبیه کرده اند؛ بدان! مبتلاترین فرد در غیبت یوسف، خود یوسف بود! در غیبت امام الزمان هم، مبتلاترین شخص، خود حضرت است! از این رو تحمل غیبت برای ایشان از همه ی دیگر انسانها، دشوارتر و سخت تر میباشد.

.۲۰

بوی کدام پیراهن!؟

نقل شده بعد از بازگشت حضرت یوسف به کنعان، حضرت یعقوب با اصرار از او خواست که واقعه را تعریف کند، یوسف نیز داستان را تعریف کرد تا به جایی رسید که "برادران لباسش را کردند و او را در چاه انداختند" در این هنگام حضرت یعقوب از هوش رفت!! (برگرفته از فرات تا فرات، ج ۱، ص ۲۸)

شکی نیست که جریان حضرت یوسف و امام حسین با هم قابل مقایسه نیستند اما حضرت یعقوب در اوج قدرت روحی نتوانست آن بلای یوسف را تحمل کند! به راستی کدام یک از ما به جهت مصائب امام حسین از هوش رفته ایم!؟

واقعه ی عاشورا بلایی بود که امام حسین آن را به جهت هدایت ما تحمل کرد؛ اگر کسی عظمت عاشورا را درک کند قطعا متوجه خواهد شد که جریان ابلیس - در آن روز - شکست خورده و ماندگاری نخواهد داشت، پس ایمان به پایان این حرکت می آورد. اینجاست که بلای امام حسین با بلای حضرت مهدی پیوند می خورد؛ غیبت را ابتلای عظیم امام زمان می داند - که

ایشان را از به تحقق رساندن وعده های خدا و گرفتن انتقام از قاتلین جد بزرگوارشان مانع شده!! - لذا آرزو و خواسته اش چنین می شود.

۲۱.

سفر عشق، جگر شیر می خواهد...

مصیبت و بلا، رشته ی تعلقات به غیر خدا را قطع می کند، ناخالصی ها را از بین می برد و انسان را از فتنه ی نفس و گرفتاری به آن نجات میدهد.

حضرت یعقوب ۲۰ یا به نقلی ۴۰ سال به دردِ فراقِ یوسف مبتلا شد؟ بی شک خدا نمی خواهد انسانِ مؤمن را اذیت کند، بلکه قصد دارد او را به وسیله ی بلا، مخلص کند تا قلبش فقط متوجه خدا باشد؛ بلا بهترین نردبان سلوک است.

در این میان، سلوکِ بلا ی اولیای خدا مؤثر تر و راهگشا تر است چرا که بلا ی ما به اندازه ی خود ما سلوک دهنده است ولی بلا ی اولیاء خدا به اندازه ی عظمت ایشان است، از این رو در دعای ندبه خدا را به خاطر ابتلائاتِ اولیائش حمد می کنیم که «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا جَرَى فِي قَضَائِكَ فِي أَوْلِيَائِكَ»

مقام "شناختِ حمد بر قضای اولیا" مقام بالایی است که هر کسی نمی تواند به آن دست پیدا کند بلکه تنها کسانی به این مقام می رسند که شاکر باشند؛ چنانچه در زیارت عاشورا خدا را به خاطر توفیق درک و شراکت در مصیبت سیدالشهدا حمد می کنیم و خود را در زمره آنان می بینیم که «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَيَّ مُصَابِهِمْ» رضایتِ اصحاب امام حسین در روز عاشورا هم به دلیل رسیدن به مقام درکِ بلا ی ولیّ خدا بود! کجایند منتظرانی که بدانند و بفهمند بلا ی غیبت امام زمان را و بار سنگینی که سالهاست بر شانه های امام زخم تازه می گذارد...!

۲۲.

یارانِ حسین و یارانِ مهدی

بریر در شب عاشورا، وقتی تهدید شمر را شنید گفت: «آیا مرا از مرگ می ترسانی؟ به خدا قسم، مرگ با پسر پیامبر خدا، نزد من از زندگی با شما عزیزتر است.» / یاران امام مهدی نیز با چنین روحیه ای آرزو دارند "در راه خدا" به شهادت برسند: «وَيَتَمَنَّونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»

عشق در یاران حضرت مهدی نیز وجود دارد؛ چنانکه در وصف ایشان گفته اند: «در میدان رزم، گرد وجودش می چرخند و با جان، حفاظتش می کنند.» دو برادر در کربلا بودند به نام عمرو بن قرضه و علی بن قرضه. عمرو هنگام نماز ظهر، سپر امام گشت و به شهادت رسید و برادرش در لشکر عبیدالله بن زیاد به شقاوت! [یا] فرزندِ محمد بن بشیر در کربلا اسیر شد، امام بیعتش را از او برداشت تا به یاری پسرش برود، اما محمد گفت: «درندگان در حالی که زنده ام، مرا بدرند، اگر تو را تنها بگذارم»

انتظارِ مهدی باوران و مهدی باوران نیز هنگام ظهور چنین است که در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «بَابِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي» پدرم به فدایت مهدی جان، مادرم، خودم و خانواده ام به فدایت...

مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۱۴؛ بحار الانوار، ح ۴۵، ص ۲۹؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۴؛ فرات تا فرات، ج ۱، ص ۶۱؛

۲۳.

زنان عاشورایی / زنان منتظر

وقتی "تقوا" ملاک ارزش شد؛ جنسیت، دیگر دخالتی نخواهد داشت! یادی کنیم از صیانه آرایشگر کاخ فرعون، همان شهیده ی راه حقی که پس از ظهور، رجعت نموده و به دنیا باز خواهد گشت.

در هر زمانی همیشه بانوانی درخشیده اند؛ از جمله ی آشناترین و درخشنده ترین ایشان؛ مریم، آسیه و حضرت فاطمه می باشد (درود خدا بر ایشان)

در ماجرای قیام امام حسین نیز زنان نقش موثری داشتند؛ طوعه که به مسلم بن عقیل پناه داد، همسر زهیر که شوهرش را به کاروان امام و شهدای کربلا رهسپار کرد، مادر عبدالله ابن عمیر که حتی پس از شهادت فرزندش، قصد داشت خود به میدان برود و بجنگد، و شیرزنی همچون زینب کبری (سلام الله علیها) سفیر نهضت عاشورا، اسوه ی صبر و استقامت در برابر خط نفاق! امروز، در دوران غیبت هم "زنان پاکدامن، دین دار و دین یاری" برای سپاه حضرتش نیرو سازی نموده و به یارگیری حضرتش، کمک می کنند. «تربیت نسل منتظر» واژه ای آشنا برای چنین بانوانی است که همواره مردان بزرگ، مدیون ایشانند...

۲۴.

تکمیل کننده سفر حسین...

امام حسین به جانب کوفه رهسپار شد تا شاید مانند پدر بزرگوارشان، آنجا را مقر حاکمیت اسلامی قرار دهد. وقتی جو سیاسی کوفه عوض شد، همان دعوت کنندگان! راه را بر امام بستند!! و ایشان به ناچار در روز دوم محرم، در کربلا منزل نمود.

اما هنگامی که خورشید تابناک مکه ظهور کند، کوفه را به عنوان مقر حکومت خود برخواهد گزید، آنجاست که رفت و آمد یاران عاشورایی اش کوفه را محور حکومت قرار خواهد داد و نور حکومت اسلامی همه جا را فرا خواهد گرفت...

۲۵.

«سفارش امام حسین برای حضرت مهدی»

«تاکید حضرت مهدی به زیارت عاشورا»

یکی از بزرگان قم می گوید در عالم مکاشفه امام حسین به من فرمودند: «مهدی ما در عصر خویش مظلوم است. تا می توانید درباره او بگویید، قلم بزنید و بنویسید... بیش از آنچه نوشته و گفته شده، باید درباره اش نوشت و گفت.» (صحیفه مهدیه،

ص ۵۹)

حضرت مهدی به سید رشتی می گوید: «شما چرا نافله نمی خوانید؟ نافله، نافله، نافله! شما چرا عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا! شما چرا جامعه نمی خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه!» (نجم الثاقب، ص ۶۰)

آری! حسین تو را میخواند و تو حسین را

۲۶.

یاری امام، اصلی ترین درس مکتب

در زنگ جامعه کبیره نمی گوید «مرا آماده یاری اش کن» بلکه می گوید «من برای یاری تو آماده ام؛ روی کمک من حساب باز کنید؛ یاری ام برای شما مهیا است» وَ نُصِرْتِي لَكُمْ مُعَدَّةً...

به همین علت در زنگ عهد، منتظران اینگونه همخوانی می کنند که: «خدایا، من صبح امروز و تا روزی که زنده باشم، عهد و پیمان و بیعت او را که به گردن دارم، تجدید می کنم و هرگز از آن بر نمی گردم»

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ لَهٗ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أُزُولُ أَبَدًا»
و حالا زنگ امتحان رسیده، حسینی ها بسم الله!...

۲۷.

وقتی فریاد حسین شنیده نشد!

در برابر ندای "هَلْ مِنْ نَاصِرٍ" امام، مردم چند دسته شدند:

عده کمی ندای حضرت را اجابت کرده و به یاری شتافتند. گروهی دعوتش را رد کرده و رو در روی او قرار گرفتند! بعضی بی تفاوت بوده و بعضی هم کاملاً در بی خبری به سر برده و از این فاجعه اطلاعی نداشتند!

جز گروه اول - که به خاطر یاری، به سعادت رسیدند - بقیه، مقصّرند و سزاوار عقوبت، حتی آنانکه - از سر کم کاری - از وضعیت امام، بی خبر بودند!

«امروز هم، قصه همین است...»

جز عده کمی که ایمان به غیب داشته و ایستادگی و حرکت دارند، اما سه گروه دیگر در جنایات، ظلم، فساد و طولانی شدن دوران غیبت شریک اند، حتی آنانکه با سکوت بی موقع شان، به این وضعیت دامن زده و گره ای باز نمی کنند!

۲۸.

غربال به سبک عاشورا؛ ۷۲=۹۲۸-۱۰۰۰

بیش از ۱۰۰۰ نفر تا شب عاشورا با امام حسین بودند ولی چون با او سنخیت روحی نداشتند، نتوانستند همراهش بمانند و رهاپش کردند!

هنگامه‌ی آزمایش کم هستند "هلال بن نافع" ها که بگویند: «به خدا قسم! ما ملاقات پروردگار را ناخوشایند نمی دانیم و بر نیت و بصیرت خود پابرجاییم... کم هستند "زُهِیر" ها که بگویند: «یا بن رسول الله! به خدا قسم، دوست دارم کشته شوم و بعد از آن، دوباره زنده شوم و تا هزار بار این اتفاق بیفتد اما خداوند کشته شدن را از تو و اهل بیتت دفع کند.

امام صادق درباره یاران حضرت مهدی میفرماید: «بر امامت او استوار نمی ماند، مگر آنکه یقینش بسیار قوی و معرفتش نسبت به او صحیح باشد.»

آری! اگر سنخیت بین امام و مأموم نباشد، همراهی واقعی امکان پذیر نخواهد بود و عاقبت او را رها خواهند کرد!

فرات تا فرات، ج ۱، ص ۱۴۸-۱۵۱

۲۹.

دو پاسخ عجیب | اخبار کربلا

وقتی امام حسین، به "فرزندان مسلم بن عقیل" گفت: شهادتِ مسلم، خانواده ی شما را بس است، من به شما رخصت می دهم که به سوی خانه های خود بروید. فرزندان مسلم در پاسخ گفتند: «آیا به مردم بگوییم امام و رهبر و بزرگ مان را میان دشمنان تنها گذاشته و از او دفاع نکرده ایم؟! به خدا قسم چنین نخواهیم کرد؛ جان و مالمان فدای تو.»

در مسیر کاروان با امام روبرو شد، امام او را به همراهی خود فرا خواند، اما عبیدالله بن حر جعفی در پاسخ گفت: «به خدا قسم می دانم هر که شما را دنبال کند در آخرت، سعید و خوشبخت خواهد شد... اما این طرح و نقشه را بر من تحمیل مکن؛ چرا که نفس من بر مرگ آمادگی ندارد.»

امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، [برخی از] کسانی که به نظر می رسید از یارانش باشند، از امر [ولایت] بیرون می روند...

ارشاد، ص ۲۳۱؛ تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۴۰۷؛ الغیبة نعماتی، ص ۳۱۷

۳۰.

به خاطر بسپار...

در هیچ کجای تاریخ، تمام مکارم اخلاقی در برابر تمام رذائل اخلاقی ظهور پیدا نکرد چنان که در عاشورای ۶۱ هجری اتفاق افتاد! روبرو شدن حسین بن علی علیه السلام در برابر لشگر یزید؛ مبارزه «نهایت حق» در برابر «نهایت باطل»! در یک سو، «رفیع ترین مکارم انسانی» و در سویی «پست ترین و رذل ترین صفات...»

حسین در کربلا جنگ را به گونه ای مدیریت کرد که حاصلش بشود "بیداری وجدان و انگیزه سازی برای مبارزه با باطل" مبارزه ای پُر از "جهاد اصغر و اکبر..."

ان شالله به زودی خواهیم دید "قیام جهانی منتقم او را" قیامی که تاریخ بشریت به خود ندیده! صف آرایی تمام فضائل در برابر تمام رذائل، «تمام حق» برابر «تمام باطل» و سرانجام، پیروزی «ولایت حق» بر «ولایت شیطان...»

آری؛ آن روز خواهد آمد...

روشنگری امام حسین و امام مهدی

حسین " بارها سخن گفت؛ کلامش نور بود، بعضی در راه قرار گرفتند و عده ای در تاریکی خویش ماندند! کربلایی شده بود... برای رسیدن به سعادت یا شقاوت از هم سبقت می گرفتند! بعضی «سعادت» را بردند و عده ای «شقاوت» را... و اما امروز؛ سالها می گذرد، "حسین زمان" خواهد آمد و مانند جدش لب به سخن خواهد گشود تا حجت را تمام کرده و راه را بر چاه بشناساند؛ نقل شده: «مهدی در برابر یهود، نصاری، صابئین، مادی گرایان و کافران در شرق و غرب کره زمین قیام می کند و اسلام را به آنان پیشنهاد می دهد...»

چقدر صدایش شبیه صدای حسین است! دوباره اهل نور از اهل نار جدا شده اند! سعادت یا شقاوت در مقیاسی کلی تر و گسترده تر به صحنه آمده اند! گوی و میدان آماده شده است، آیا تو آماده ای؟

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳

اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۹

عزاداران و دعا برای ظهور

خواسته ها و دعاها از درد بلند می شوند؛ به عبارتی دیگر، پشت هر فریادی «درد» ی ست! دعای از سر سیری به چه دردی می خورد؟! دعای حقیقی آن است که دردمندانه و با تمنا باشد؛ بهتر بگوییم: «دعا، خواندن نیست؛ خواستن است!» حالا اگر امام زمان به تو بگوید دعا کنی، در واقع چه مقصودی دارد؟ فقط دعا؟!

او خود، دعا (ی حقیقی) می کند برای عزادارانی که دغدغه ظهور دارند! در کتاب شریف مکیال المکارم نقل شده حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «همانا، من برای فرد مؤمنی که مصیبت جد شهیدم را به یاد آورد و سپس تعجیل در فرج و تایید من را از خدا بخواهد، دعا خواهم کرد.»

مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۶

مکه؛ حماسه‌ی جاودانه‌ی حسینی؛ انقلاب جهانی مهدوی

امام حسین نهضت خود را از مکه آغاز نمود؛ یعنی پس از خروج از مدینه، به مکه آمده - و در کنار بیت الله الحرام - از قیام خود به مردم خبر داده، آن گاه به سمت کوفه حرکت کردند.

امام مهدی نیز از مکه حرکت خواهد نمود؛ جهانیان را به بیعت با خود فرا خوانده، پس از مدتی به سمت کوفه رفته و آنجا را مقر حکومت قرار می دهد. در این باره امام باقر فرمودند: «حضرت مهدی، و سیزده نفر از یارانش، از مکه بر خواهند خواست و ده ها نفر با او بیعت خواهند کرد.»

بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵

۳۴.

کربلا؛ پُلِ ظهور...

قیام امام حسین در حصار زمان و مکان نمی گنجد! اگر حمایت از حسین بن علی، به حضور در «جبهه نظامی کربلا» بود، حمایت از حجة بن الحسن، به حضور در «جبهه نرم فکری فرهنگی» است.

یاران عاشورائی از زخم شمشیرها و نیزه ها نهرا سیدند تا آنجا که حتی به روی شهادت لبخند زدند. منتظران نیز برای تحقق زمینه های ظهور، باید در برابر زخم ها و نیش هایی که بر دل و جانشان می نشیند، مقاوم باشند؛ گویی از آن استقبال می کنند...

آری؛ عاشورائیان همان منتظرانند، پس شایسته است "درس های عاشورا" مشق امروز منتظران باشد!

۳۵.

بانوان منتظر بدانند...

رباب: در کربلا حضور داشت. شاهد شهادت همسرش و فرزند شیرخوارش بود! بعد از پایان فاجعه کربلا و اسارت، در مدینه ساکن شد. دستور داد سقف خانه اش را بردارند و زیر آفتاب روزگار می گذرانند! رباب به این روش، یکی از اثرگذارترین افشاگری ها را علیه یزید و یزیدیان زمان، محقق نمود.

ام البنین: دارای چهار پسر (عباس علیه السلام، عبدالله، جعفر، عثمان) که تمامی پسرانش در رکاب امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند، اما وقتی خبر شهادت امام زمانش را شنید، ناله اش بلند شد و گفت: «رگ های دلم را پاره کردی...»
مادر وهب: پیرزنی مسیحی که چندی نمی گذشت از آشنائیش با امام زمانش، اما در روز عاشورا شجاعانه به پسرش گفت: «به جای شیری که به تو داده ام از تو می خواهم جانت را در طَبَقِ اخلاص بگذارم و با دشمن امام تا سر حدّ شهادت مبارزه کنی...»

همسر وهب: در آخرین لحظات به شوهرش گفت: «جان من و تو هزاران بار فدای حسین! فقط از تو تقاضایی دارم در حضور امام، و آن اینکه تا وقتی به تو ملحق نشده ام وارد بهشت نشوی...»

همسر زهیر: فرستاده ای از طرف امام به خیمه زهیر آمد، خیمه پر از سکوت شد، و هنوز هم سکوت... ناگهان از گوشه ای صدای شیرزنی بلند شد: «چرا جوابش را نمی دهی؟ چه می شود به حضور امام بروی و سخنش را بشنوی؟!» زهیر قیام کرد و از یاران عاشورایی امام زمانش شد...

زینب: و تو ای بانو! کدام قلم می تواند تو را بنویسد؟! تو ای فراتر از اقیانوس...

بانوان منتظر بدانند؛ زمینه سازی برای حکومت جهانی، هزینه دارد...

از فرات تا فرات، ج ۲، ص ۱۳۶-۱۴۲

۳۶.

خاص ترین...

به جرات میشه گفت بین عزاداران امام حسین علیه السلام در دوران ما، یه نفر هست که قصه اش با بقیه فرق میکنه!

اگه من و شما برای ظلمی که به امام حسین و اهل بیت شده غصه می خوریم، او دلی مضطر و جگری خون داره! اگه ما بر مصائب سیدالشهدا اشک می ریزیم، او خون گریه میکنه! اگه ما گاهی به یاد مبارزه با یزید و یزیدیان زمان می افیم، او همیشه در خط مقدم این جهاد قرار داره... اگه بین ما و امام حسین پیوندی برقرار شده باشه، بین او و امام حسین عقد و گره بوده! اگه ما دلمون به محبت امام حسین زینت گرفته، بین او و امام حسین فراتر از محبت؛ مودتته، عشقه...

متوجه شدی از کی دارم میگم؟ چقدر او با جدش اباعبدالله مأنوسه؛ و به فکر اوست؛ و به یاد اوست؛ و به انتقام از ظلم های بر او، قیام خواهد کرد؛ و شعار قیامش "یا لثارات الحسین"

او، عاقبت خواهد آمد. حسین بن علی به عنوان اولین رجعت کننده بر می گرده و ان شالله بینی این دو امام همدیگر را در آغوش گرفته و گونه هایشان پر شده از مروارید اشک بر گذر تاریخ...

۳۷.

مراتب عزاداری | یار شدن

مرتب اول: دل عزادار از مصیبت وارده به سیدالشهدا غمگین و ناراضی است، البته غمش را بروز نمی دهد! این کمترین درجه عزاداری است.

مرتب دوم: عزادار، غم و ناراضیتی خود را به شکل های گوناگون (گرفتگی چهره، بغض، لباس مشکی، تباهی، سینه زنی و گریه) بروز می دهد.

مرتب سوم: عزادار، تنفر و اعتراض را نسبت به عاملین جنایات و مصیبتها بر سیدالشهدا، یاران و اهل بیتش، اظهار می کند. (البته آنچه موجب شده عزادار از مرحله دوم به مرحله سوم ترقی کند، شناخت و معرفت است.)

مرتب چهارم: سه مرحله ی قبل، بین مسلمانان و غیرمسلمانان «مشترک» بود. اما بعضی دارای صفای باطن و محبت شدید هستند، روحشان تشنه است و مرحله سوم هم سیراب و قانع شان نمی کند! آنها به دنبال حقیقتی بالاتر می گردند.

مرتب پنجم: عملیات انتقام؛ مبارزه با دشمنان و یاری دین که این مرتبه را بیشتر، بیقرارها و دلتنگها حاضری می زنند!

مهم:

«مصیبت عظیم» همان جنایات و ظلمهایی ست که منجر به شهادت امام و یارانش و اسارت اهل بیتش شد! / اما «مصیبت اعظم» محرومیت از موهبتی است که جامعه انسانی سالهاست به آن گرفتار است! و آن یعنی حاکمیت رهبران معصوم و متخصص الهی! که خودمان کنارشان زده بودیم!

نمی توان به امام زمان گفت که ما در «مصیبت عظیم» همراه تو، برای جدّ غریبت گریه می کنیم ولی در «مصیبت اعظم» از همراهی ات، برای انتقام و بازگرداندن خون خدا به پیکر جامعه معذور و معاف هستیم!

گاهنامه منتظران منجی، ش ۲، ص ۳-۸

۳۸.

حضور امام زمان در دسته عزاداری

روز عاشورا بود و موج عزاداران - از هر سو - به طرف کربلا در حرکت بود، علامه بحرالعلوم به همراه گروهی از طلبه ها به استقبال عزاداران می رفتند...

به محله طوبریج رسیدند (که دسته ی سینه زنی و سبک سینه زنی شان مشهور است) وقتی سیدبحرالعلوم به آنها رسید ناگهان - با آن کهولت سن و موقعیت اجتماعی و علمی - لباس خود را به کناری گذاشت و در صف سینه زنان با شور و وصف ناپذیری به سینه زدن پرداخت! پس از پایان مراسم، یکی از خواص از ایشان پرسید: چه شد که شما یکدفعه چنان دچار احساسات پاک و خالصانه شدید؟! علامه فرمود:

با رسیدن آن دسته ی عزاداران، ناگهان چشمم به محبوب دلها، امام عصر علیه السلام افتاد و دیدم آن بزرگوار با سر و پای برهنه و با چشمی پر از اشک، در میان جمعیت سینه زنان به سر و سینه می زند؛ به همین جهت، قرار از کف دادم و در برابر ایشان آنگونه به سوگواری پرداختم.

دیدار یار، علی کرمی، ج ۲، ص ۲۰۰

۳۹.

وقتی قرآن، روضه خوانی می کند...

سعد بن عبدالله میگه: با احمد بن إسحاق خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدیم. سئوالاتی داشتم، امام فرمودند: از نور چشمم بپرس [او به حضرت مهدی اشاره نمودند]. پس از چند سئوال، پرسیدم: مُراد از تأویل «کهیعص» - که در قرآن آمده - چیست؟

حضرت مهدی علیه السلام فرمودند: «کاف» اسم کربلا و «هائ» اشاره به هلاکت، «یاء» یزید است که بر حسین ظلم نمود، «عین» عطش حسین و یاران عزیز اوست، و «صاد» اشاره به صبر آن حضرت است در مقابل مصائب...

احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۲۶۸

۴۰.

از اسرار زیارت ناحیه مقدسه

سلام...

"سلام" نام خدا و زمزمه ی بهشتیان است. "سلام" کم کردن فاصله و نشانه ی نزدیکی قلب است؛ به همین خاطر در طلوعه همه ی زیارات «سلام» آمده است.

اما تعداد سلام های وارد شده در این زیارت از غالب زیاراتِ دیگر بیشتر است! زیارتی با بیش از یکصد سلام: سلام بر ملائکه / سلام بر انبیاء؛ که نام ۲۳ تن از پیامبران آورده شده / سلام بر امامان و اولیاء / سلام بر فاطمه زهرا / سلام بر روح زیارت؛ حضرت سیدالشهداء / سلام بر فرزندان و برادران و اصحاب آن حضرت.

سلام بر جنگاوران بیابان / سلام بر اجسادى که برهنه در بیابان رها شدند / سلام بر کسی که ملائکه بر او گریه کردند / سلام بر بدن های به زنجیر کشیده شده و اسیر شده...

مهدیا! هر که با ناحیه ی مقدسه ات آشناست دلی مضطر یافته و جگری سوخته... قربان دلِ آسمانی ات! قربان آسمانِ بارانی ات! سلام بر تو ای پُر از سلام...